

بررسی رابطه بین نگرانی مرضی، شیوه‌های حل مسأله و افکار خودکشی

در نمونه غیر بالینی

زهرا عدالتی شاطری^۱، نجمه اشکانی^۲، دکتر مرتضی مدرس غروی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (مؤلف مسؤول)، تلفن تماس: ۰۵۱۱-۳۶۸۱۶۰۴ zohreedalaty@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: خودکشی یک از علل مرگ در بزرگسالان در جهان است. تحقیقات انجام شده بر روی خودکشی بر ارتباط بین اختلالات خلقی، اختلالات سایکوتیک و برخی اختلالات شخصیت تاکید می‌کنند. ولی ارتباط بین خودکشی و سایر انواع آسیب شناسی روانی از جمله اختلالات اضطرابی توجه کمتری دریافت کرده، و تحقیقات کمی وجود دارد که ارتباط علائم اضطرابی بدون افسردگی را با خودکشی بررسی کنند. هدف این مطالعه شناخت ارتباط بین نگرانی، افکار خودکشی و سبک‌های حل مسأله در نمونه غیر بالینی است.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع همبستگی است. ۶۶ دانشجوی دختر داوطلب با شرط عدم ابتلا به افسردگی انتخاب و سؤالات پیکل برای خودکشی، مقیاس حل مسأله کسیدی و لانگ و مقیاس ارزیابی نگرانی آسیب شناختی را تکمیل نمودند. داده‌ها با کمک آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: افراد دارای افکار خودکشی، دارای برنامه خودکشی و سالم تفاوت معناداری از لحاظ میزان تجربه نگرانی و سبک‌های حل مسأله داشتند ($p < 0/01$). همبستگی معناداری بین نمرات نگرانی آسیب شناختی و سه خرده مقیاس حل مسأله وجود داشت و نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد نمرات نگرانی بر روی برخی از سبک‌های حل مسأله تأثیر گذاشته است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش علاوه بر تایید فرضیه وجود ارتباط بین میزان نگرانی، شیوه‌های حل مسأله و افکار خودکشی، تأثیرگذاری نگرانی بر گرایش به برخی شیوه‌های حل مسأله را نیز تایید می‌کند.

کلید واژه‌ها: خودکشی، نگرانی، حل مسأله.

وصول مقاله: ۸۷/۱۰/۲ اصلاح نهایی: ۸۸/۲/۷ پذیرش مقاله: ۸۸/۲/۸

مقدمه

طی چند دهه گذشته تحقیقات بسیاری با محوریت خودکشی انجام شده‌اند که نتایج آنها نشان می‌دهند خودکشی با عوامل خطر چندگانه زیست شناختی، روانشناختی، اجتماعی و خانوادگی مرتبط است (۴-۲). در این میان ابتلا به اختلال روانی عامل پیش‌بینی بسیار قوی برای خودکشی به شمار می‌رود، تا جایی که نتایج

خودکشی یکی از مهمترین عوامل مرگ در جهان است و اقدام به خودکشی در بزرگسالان تبدیل به مسأله سلامت عمومی گردیده. بغرنج بودن این مسأله زمانی برجسته‌تر می‌شود که آمارها حاکی از نرخ فزاینده افکار و تلاشهای ناموفق خودکشی است، و برخی محققین شیوع اقدام به خودکشی در نوجوانان را ۵۰ تا ۱۰۰ بار بیشتر از خودکشی‌های منجر به فوت آنان می‌دانند (۱).

مطالعه نورتون و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد ارتباط معناداری بین اختلالات اضطرابی و تمایلات خودکشی وجود دارد (۶). لیکن در هیچ کدام از این مطالعات سهم فاکتورهای مختلف اختلال اضطراب منتشر در رفتارهای خودکشی گرا مشخص نشده است. یکی از برجسته ترین علایم در اختلال اضطراب منتشر نگرانی است. نگرانی که به صورت زنجیره ای از افکار با درون مایه عاطفی منفی نمایان می شود یک فعالیت غالباً کلامی است که با هدف مسأله گشایی روی می دهد (۷).

برخی شواهدی نشان می دهد نگرانی مرضی با اعتماد در حل مسأله و کنترل ادراک شده ضعیف بر فرایند حل مسأله همبستگی بالایی دارد (۸). نقص در فرایند حل مسأله و استفاده از شیوه های ناکارآمد یکی از مسایل شناختی مهم در افراد خودکشی کننده است که مطالعات بسیاری تأثیر آن را در افزایش احتمال خودکشی افراد مبتلا به اختلالات خلقی تایید کرده اند (۹، ۱۰). بیماران افسرده قادر به مسأله گشایی مؤثر نمی باشند و این باعث ناامیدی و در نهایت خودکشی در آنان می گردد (۱۰). اما آیا نقص در فرایند حل مسأله در غیاب افسردگی نیز با نگرانی آسیب شناختی و افکار خودکشی مرتبط است؟ بر این اساس هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط نگرانی مرضی، افکار خودکشی و شیوه های حل مسأله در غیاب افسردگی، در نمونه ای از دانشجویان می باشد.

روش بررسی

ابزارها: آزمون افسردگی بک^۱: این پرسشنامه را "بک" و همکاران در سال ۱۹۶۱ به منظور تشخیص یک عامل کلی افسردگی معرفی نمودند. مطالعه همسانی درونی

گلد^۱ و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد حداقل ۹۰ درصد افراد خودکشی کننده در زمان مرگ یک یا چند اختلال روانپزشکی داشته اند (۲). یافته ها نشان می دهند مهمترین عوامل روانشناختی زمینه ساز خودکشی شامل اختلالات خلقی، سوء مصرف مواد، ناامیدی، عزت نفس پایین، منبع کنترل بیرونی، وقایع استرسزای اخیر، بدکارکردی های خانواده و حمایت اجتماعی نامناسب می باشند (۱، ۳، ۵).

در مطالعات انجام شده شواهد بسیاری حاکی از وجود ارتباط قوی بین اختلالات خلقی، سایکوتیک و شخصیت با خودکشی بدست آمده است در حالی که ارتباط بین خودکشی و سایر آسیب های روانی از جمله اختلالات اضطرابی توجه کمتری به خود، جلب نموده است. برخی از اشکال اضطراب مانند اضطراب جسمی مزمن، بی قراری و هراس به شرطی که با اختلالات خلقی همراه شوند، به عنوان پیش بین های خودکشی در برخی مدل های توجیه کننده خودکشی جای داده شده اند (۶)، اما مطالعات کمی درباره نقش علایم اختلالات اضطرابی بدون همراهی با افسردگی در خودکشی انجام شده است. یکی از اختلالات اضطرابی که شواهدی در راستای ارتباط آن با خودکشی وجود دارد اختلال اضطراب منتشر^۲ می باشد. نتایج مطالعه زیمرمن^۳ (۲۰۰۳) حاکی از آن است که بیماران افسرده با ابتلا به اضطراب منتشر افکار خودکشی بالاتری در مقایسه با بیماران صرفاً افسرده داشته اند (۶). استراس^۴ و همکاران (۲۰۰۰) نیز بیان نمودند شیوع اضطراب منتشر در کودکان دارای افکار خودکشی بیشتر از کودکان عادی است (۶). نتایج

1. Gould
2. Generalized anxiety disorder
3. Zimmerman
4. Strauss

5. Back depression inventory

سؤالات در مطالعه گروه سلامت حرفه‌ای انجمن پزشکی سوئیس، بر روی شرایط کاری روانپزشکان سوئیس (۱۹۸۸) نیز استفاده شده است (۱۶). سه سؤال اول اشاره به وجود افکار خودکشی دارد، و پاسخ بلی به آنها، به منزله داشتن افکار خودکشی است. سؤال چهارم برنامه برای خودکشی و سؤال آخر قصد خودکشی را مورد پرسش قرار می‌دهد. سؤالات پیکل به صورت عمومی و نیز در خصوص ۶ ماه یا ۱ سال گذشته قابل استفاده است (۱۴). در این تحقیق سؤالات برای پرسش در خصوص یک سال گذشته مورد استفاده قرار گرفت.

مقیاس شیوه‌های حل مسأله کسیدی و لانگ^۳: این مقیاس که توسط کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) طی دو مطالعه ساخته شده شامل ۲۴ سؤال است که آزمودنی به هر کدام پاسخ بلی یا خیر می‌دهد (۹). این سؤالات شش عامل را می‌سنجد که عبارتند از: جهت یابی (احساس بی‌یوری و ناتوانی در موقعیت‌های مساله‌زا)، شیوه کنترل در حل مسأله (بعد کنترل بیرونی-درونی)، شیوه خلاقیت (برنامه‌ریزی برای راه حل‌های متنوع)، شیوه اعتماد در حل مسأله (اعتقاد به توانایی فردی برای حل مشکل)، شیوه اجتناب (رد شدن از مشکلات به جای مقابله با آنها) و شیوه تقرب (تمایل به مقابله و حل مشکلات). دامنه نمرات هر آزمودنی در این خرده مقیاس‌ها می‌تواند بین ۰ تا ۴ قرار گیرد که نمره بالاتر نشانگر تمایل بیشتر آزمودنی به کاربرد این شیوه است. علاوه بر روایی و پایایی گزارش شده در دو مطالعه کسیدی (۱۹۹۶)، ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های این ابزار بین ۰/۳۷ تا ۰/۷۲ و میانگین همبستگی آنها بین ۰/۲۰ تا ۰/۳۹ برای نمونه ایرانی گزارش شده است (۹).

نشان داده ضرایب بدست آمده از ۰/۷۳ و ۰/۹۲ بوده است. پایایی بازآزمایی آن از ۰/۴۸ تا ۰/۸۶ گزارش شده است (۱۱). این آزمون برای جمعیت ایرانی ترجمه و هنجاریابی شده است. به عنوان مثال فتی (۱۳۸۲) ضریب آلفا ۰/۹۱ و همبستگی بین دو نیمه ۰/۸۹ و ضریب ۰/۹۴ را گزارش نمود (۱۲). همچنین فتی (۱۳۷۰) ضریب همبستگی بین آزمون افسردگی بک و مقیاس درجه‌بندی افسردگی همیلتون را در آزمودنی‌های ایرانی ۰/۶۶ و همبستگی کلی پرسش‌ها را ۳۱ تا ۰/۶۸ گزارش نموده است (۱۳). از این آزمون برای انتخاب نمونه استفاده شد. سؤالات پیکل برای خودکشی^۱: سؤالات پیکل پنج پرسش مستقیم است که برای مطالعه افکار خودکشی در جمعیت عمومی طرح شده است. این سؤالات بدین شرح‌اند "آیا تا کنون احساس کرده‌اید که زندگی ارزش زیستن ندارد؟ آیا تا کنون آرزو کرده‌اید کاش مرده بودید؟ آیا تا کنون فکر کرده‌اید زندگی خود را تمام کنید هر چند واقعاً این کار را نکرده باشید؟ آیا به جایی رسیده‌اید که واقعاً به تمام کردن زندگی‌تان بیندیشید و حتی به روشی که می‌توانید خودتان را بکشید، فکر کرده باشید؟ آیا اقدام به خودکشی هم کرده‌اید؟ از آنجا که این سؤالات ابزار روانسنجی نیستند، روایی و پایایی آنها نیز مورد محاسبه قرار نگرفته است. این پرسش‌ها تاکنون توسط محققین داخل کشور مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، لیکن در چند مطالعه مشابه در خارج از کشور به کار رفته‌اند. به عنوان مثال تیسن و همکاران (۲۰۰۱) بر روی پزشکان جوان نروژی (۱۴)، و رینبرگ^۲ و همکاران (۱۹۸۶) بر روی جمعیت عمومی (۱۵) این سؤالات را به کار برده‌اند. به علاوه از این

1. Paykel's instrument for measuring suicidal ideation and attempts
2. Renberg

3. Cassidy & long problem solving style

افزایش دقت در نتایج حذف شدند و نیز هیچ کدام این ۱۲۱ نفر به سؤال مربوط به قصد خودکشی پاسخ بلی نداده بودند. در نهایت ۶۶ نفر انتخاب شدند. بر اساس دستورالعمل سؤالات پیکل، ۲۵ نفر که به تمام سؤالات پاسخ خیر داده بودند در گروه سالم، ۲۹ که حداقل به ۲ سوال از سه سؤال اول پاسخ بلی داده بودند در گروه دارای افکار خودکشی و ۱۲ نفر که به جز حداقل ۲ سوال از ۳ سؤال اول به سوال چهارم نیز پاسخ بلی داده بودند در گروه دارای افکار و برنامه برای خودکشی قرار گرفتند و از آنها آزمونهای حل مسأله و نگرانی به عمل آمد.

به منظور تصمیم‌گیری جهت استفاده از آزمونهای آماری، ابتدا همسانی واریانسها با استفاده از آزمون لون، و نرمال بودن توزیع نمرات توسط آزمون کالموگروف-اسمیرنوف، برای تمامی متغیرهای کمی بررسی شد. به دلیل همسان نبودن واریانس متغیر جهت یابی در سطوح مختلف متغیر مستقل، و نرمال نبودن توزیع متغیرهای جهت یابی، خلایقیت و تقرب در بعضی از سطوح، برای تحلیل داده‌های این سه متغیر از آزمون ناپارامتری کروسکال-والیس استفاده گردید. سایر متغیرها توسط تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی تحلیل شدند. تأثیرگذاری نگرانی بر روشهای حل مسأله، توسط تحلیل کوواریانس و رابطه میان متغیرها توسط ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد.

یافته‌ها

داده‌های توصیفی سه گروه در مقیاس‌های نگرانی آسیب شناختی و شیوه‌های حل مسأله در جدول ۱ ارائه شده است:

مقیاس نگرانی آسیب شناختی^۱: یک مقیاس خودسنجی برای ارزیابی صفت نگرانی مرضی عمده است. این پرسشنامه ۱۶ عاملی از تحلیل مواد ۱۶۱ آیتم به وجود آمده و دارای ثبات درونی بالا و پایایی خوبی است. دامنه نمرات از ۱۶ تا ۶۴ است که نمره بیشتر نشانه نگرانی بیشتر است. پایایی این مقیاس در نمونه ایرانی در مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۷۷) توسط آلفای کربناخ ۰/۹۲ و همبستگی درونی آیتم‌ها ۰/۴۲ گزارش شده است (۹). به علاوه شیرین‌زاده دستگیری (۲۰۰۸) پایایی آزمون را به روش همسانی درونی ۰/۸۶ و به روش بازآزمایی ۰/۷۷ گزارش نمود و روایی همزمان آن را با آزمون اضطراب بک $r=0/49$ گزارش نموده است (۱۷).

روش بررسی

مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی-همبستگی می‌باشد. حجم نمونه مورد مطالعه ۶۶ نفر است. این تعداد از میان ۱۵۷ دانشجوی دختر داوطلب برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند اجرا شد. پس از بررسی افراد داوطلب، با توجه به نمرات آنها در مقیاس افسردگی و پاسخ به سؤالات خودکشی ۶۶ نفر انتخاب و در سه گروه سالم، افراد دارای افکار خودکشی، و افراد دارای افکار و برنامه خودکشی قرار گرفتند. روش کار به این صورت بود که از تعداد ۱۵۷ دانشجوی دختر داوطلب، آزمون افسردگی بک به عمل آمد، گروهی که نمره بالاتر از ۱۰ داشتند (افسردگی متوسط یا وخیم) از نمونه حذف شدند ($n=36$)، و از گروه باقی مانده خواسته شد به ۵ سؤال مربوط به خودکشی پاسخ دهند. افرادی که تنها به یک سؤال از سه سؤال اول سیاهه پیکل پاسخ بلی داده بودند برای

1. Penn State Worry Questionnaire (PSWQ)

جدول ۱: داده‌های توصیفی

گروه دارای افکار خودکشی		گروه دارای افکار و برنامه خودکشی		گروه سالم		
N:۲۹		N:۱۲		N:۲۵		
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۴۴/۴۸	۶/۹۵	۵۷/۴۲	۵/۳۷	۳۹/۲۴	۴/۷۷	نگرانی مرضی
۲/۰۷	۰/۹۹۸	۲/۲۳	۰/۹۸	۱/۴۴	۱/۱۹	اجتناب
۱/۵۵	۰/۸۷	۱/۵	۰/۶۷	۱/۸۴	۱/۲۱	کنترل
۲/۲۴	۱/۰۵۷	۱/۱۷	۰/۹۸	۲/۶	۱/۱۲	اعتماد
۲/۸۳	۱/۱۷	۲/۰۸	۱/۱۶	۳/۲	۱/۰۴	خلاقیت
۳/۵۵	۰/۵۷	۲/۹۲	۰/۹	۳/۴۴	۰/۷۱	تقرب
۱/۱۷	۱/۰۰۲	۱/۸۳	۱/۱۹	۰/۵۶	۰/۶۵	بی‌یاوری

گروه در خرده مقیاس‌های بی‌یاوری و خلاقیت (سطح معناداری به ترتیب ۰/۰۰۳ و ۰/۰۲۴) معنادار لیکن در خرده مقیاس تقرب غیر معنادار است.

برای بررسی هماهنگی تغییرات نمرات نگرانی و شیوه‌های مختلف حل مسأله از آزمون همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. نتایج آزمون بیانگر رابطه معنادار بین نگرانی و فقط سه خرده مقیاس بی‌یاوری ($r=0/456$), خلاقیت ($p<0/001$), اعتماد ($r=0/29$, $p<0/001$) و اعتماد ($r=-0/342$, $p<0/01$) بود.

نتایج تحلیل کوواریانس به منظور بررسی تأثیرگذاری نمرات نگرانی بر روشهای حل مسأله سه گروه نشان داد؛ حذف تأثیر نمرات نگرانی بر نمرات خرده مقیاس‌های اجتناب، تقرب و کنترل تأثیری نمی‌گذارد. لیکن تفاوت بین سه گروه در نمرات اعتماد، بی‌یاوری و خلاقیت از بین می‌رود.

نتایج تحلیل کوواریانس نگرانی و شیوه‌های حل مسئله در جدول ۲ ارائه شده است.

تحلیل واریانس یک طرفه بر روی نمرات نگرانی تفاوت معنادار بین سه گروه را نشان داد ($p<0/01$) این تفاوت بر اساس نتایج آزمون توکی حاصل تفاوت معنادار بین هر سه گروه است.

برای پاسخ به سؤال دوم وجود تفاوت معنادار در نمرات هر ۶ خرده آزمون حل مسأله بین سه گروه بررسی شد. نتایج آزمونها نشان داد، سه گروه در خرده آزمون کنترل تفاوت معناداری ندارند ($p>0/05$), در خرده آزمون اعتماد ($p=0/001$) تفاوت معنادار بود، که نتایج آزمون توکی نشان داد این تفاوت بین گروه سالم و گروه دارای افکار خودکشی با گروه دارای افکار و برنامه برای خودکشی است (به ترتیب $p<0/001$ و $p<0/05$) و در خرده آزمون اجتناب ($p>0/05$) نیز تفاوت معنادار بود که آزمون تعقیبی نشان داد این تفاوت به دلیل تفاوت نزدیک به معنی‌دار گروه دارای افکار خودکشی و دارای افکار و برنامه خودکشی با گروه سالم (به ترتیب $p=0/089$, $p=0/054$) می‌باشد. نتایج آزمون کروسکال-والیس نیز نشان داد تفاوت سه

جدول 2: نتايج تحليل كوواريانس نگرانى و شيوه‌هاى حل مسأله

شيوه حل مسأله	تقرب	خلاقيت	بى ياورى	اجتناب	اعتماد	كنترل
متغير كنترل	نگرانى	نگرانى	نگرانى	نگرانى	نگرانى	نگرانى
F	2/255	1/162	1/452	5/575	2/906	1/318
سطح معنى دارى	0/113	0/32	0/242	0/006	0/062	0/275

بحث و نتيجه گيرى

نتايج به دست آمده نشان مي‌دهد، نگرانى در افراد داراي افكار خودكشى به طور معنادارى بيشتر از افراد سالم است ($p < 0/01$). اين تفاوت معنادار همچنين بين گروهى كه در يك سال گذشته صرفاً افكار خودكشى داشته‌اند و گروهى كه به راههاى ممكن خودكشى نيز فكر کرده‌اند مشاهده شد ($p < 0/001$). بنابراين افراد داراي اشتغال ذهنى بيشتر با افكار خودكشى، سطوح بالاترى از نگرانى را تجربه مي‌كنند ($p < 0/001$). اين يافته با نتايج مطالعه سيمون¹ و همكاران (2007) بر روى بيماران دو قطبى همسو است كه نشان داد در بيماران مبتلا به اختلال دوقطبى نگرانى مستقل از ديگر عوامل تأثيرگذار احتمالى به طور معنى دارى با افكار خودكشى بالاتر در اين بيماران مرتبط است (18).

سه گروه در نمرات چهار روش اجتناب، بى‌ياورى، اعتماد و خلاقيت تفاوت معنادار (اعتماد $p < 0/001$ ، اجتناب $p < 0/033$ ، بى‌ياورى $p < 0/01$ و خلاقيت $p = 0/024$) داشتند. اين يافته، در کنار ضرايب همبستگى نگرانى و خرده مقياص‌هاى حل مسأله (نگرانى و بى‌ياورى $r = 0/456$ ، نگرانى و خلاقيت $r = -0/290$ ، نگرانى و اعتماد $r = -0/342$) نشان مي‌دهد؛ دو گروه داراي افكار و برنامه خودكشى، در مقايسه با گروه سالم، بيشتر به شيوه‌هاى اجتناب و بى‌ياورى و كمتر به شيوه‌هاى اعتماد و خلاقيت گرايش داشتند و ميزان

گرايش به شيوه‌هاى بى‌ياورى، خلاقيت و اعتماد با نمرات نگرانى رابطه دارد. در خرده مقياص اعتماد، تفاوت بين گروه سالم و گروهى كه صرفاً افكار خودكشى را تجربه نموده‌اند، معنادار نيست. ليكن گرايش و توانايى افرادى كه علاوه بر افكار با روشها و برنامه براى خودكشى اشتغال ذهنى داشته‌اند، در استفاده از اين شيوه كارآمد حل مسأله به طور معنادارى از گروه سالم و گروه داراي افكار خودكشى كمتر است (به ترتيب $p < 0/001$ و $p < 0/01$). نتايج آزمونها در خرده مقياص اجتناب نيز نشان داد، افرادى كه به هر نحو با افكار خودكشى اشتغال ذهنى پيدا کرده‌اند، به طور معنادارى بيشتر به شيوه اجتناب گرايش دارند (معنادارى تفاوت گروه سالم با گروه داراي افكار خودكشى و گروه داراي افكار و برنامه خودكشى به ترتيب $p = 0/089$ و $p = 0/054$).

وجود نقص در فرايند حل مسأله افراد خودكشى كننده، فرضيه‌ايست كه شواهد علمى محكمى در تايد آن وجود دارد و مطالعات بسيارى نشان داده‌اند اكثر اقدام‌كنندگان به خودكشى داراي كمبودهايى در مهارتهاى مسأله‌گشاى به خصوص پيرامون برخورد با مشكلات موجود در روابط ميان فردى هستند (20-19, 10, 8). اما اين مسأله هنوز پاسخ روشنى دريافت نكرده است كه كمبودهاى مساله‌گشاى پديده موقعيتى و وابسته به شرايط خلقى در افسردگى است يا يك خصلت پايدار است و حتى شواهدى وجود دارد حاكى

1. Simon

غیر واقعی بالایی دارند یعنی نیاز به شواهد بیشتری برای تصمیم‌گیری دارند و در نتیجه در تصمیم‌گیری برای مشکلات در مقایسه با افراد غیر نگران دچار تأخیر می‌شوند و این عملکرد حل مسئله آنها را تضعیف می‌کند (۹). به علاوه دیوی^۱ (۱۹۹۴) بیان کرد که نگرانی با کفایت کم در حل مسئله و کنترل کمتر بر فرایند حل مسئله مرتبط است (۲۱)، نتایج مطالعات داگاس^۲ و همکاران (۱۹۹۵) و لاجنس^۳ و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند که نگرانی با جهت‌گیری ضعیف در حل مسئله مرتبط است (۲۳) و پژوهش بیلزر^۴ (۲۰۰۱) نیز نشان داد نگران بودن با افکار منفی در رابطه با مشکلات زندگی و نقص در توانایی حل مسئله مرتبط است (۲۴).

با توجه به تمامی این یافته‌ها و نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت اختلال در حل مسئله نقصی است، که مستقل از شرایط خلقی فرد می‌تواند وجود داشته باشد و خطر اقدام به خودکشی را در افراد افزایش دهد. این نقص به جز افسردگی در شرایط وجود نگرانی آسیب‌شناختی نیز دیده می‌شود و نگرانی به تنهایی و بدون همراهی با افسردگی می‌تواند منجر به گرایش بیشتر افراد دارای اشتغال ذهنی با خودکشی به شیوه‌های حل مسئله معیوبی مانند احساس بی‌یاوری، عدم اعتماد به توانایی‌های خود در حل مشکلات و ناتوانی در کاربرد شیوه‌های خلاق و اجتناب در مواجهه با مشکلات شود.

تشکر و قدردانی

در انتها از همکاری صمیمانه دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد که در این اجرای این طرح مشارکت نمودند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

از این امر که تفاوت‌های موجود بین افراد سالم و افراد خودکشی‌گرا بیشتر با وضعیت خلقی اقدام‌کنندگان ارتباط دارد (۸). در پاسخ به این ابهام نتایج مطالعه ما با این دیدگاه که مشکلات حل مسئله صرفاً ناشی از شرایط خلقی افراد دارای افکار خودکشی می‌باشد در تعارض است و پیشنهاد می‌شود اگرچه محتمل است که ناتوانی و گرایش به شیوه‌های ناکارآمد حل مسئله همراه و مؤثر در اختلالات خلقی باشد و احتمال اقدام به خودکشی این بیماران را افزایش دهد، لیکن این نقص می‌تواند مستقل از افسردگی و در شرایط وجود نگرانی مرضی نیز دیده شود و احتمال اشتغال ذهنی فرد با افکار خودکشی را افزایش دهد. در همین راستا یک مطالعه بر روی توانایی‌های حل مسئله افراد افسرده نشان داد تغییر در توانایی بازخوانی از حافظه سرگذشتی که در فرایند حل مسئله دخیل است قبل و بعد از تغییرات خلقی در بیماران افسرده دارای افکار خودکشی به طور معنی‌داری بیشتر از افراد افسرده بدون سابقه افکار و اقدام به خودکشی است و محققین پیشنهاد کردند اختلال در حل مسئله است که بر آسیب‌پذیری فرد در مقابل تغییرات خلقی تأثیر می‌گذارد (۲۲).

ضرایب همبستگی پیرسون وجود رابطه بین نگرانی و شیوه‌های بی‌یاوری ($r=0/456$)، خلاقیت ($r=-0/290$)، و اعتماد ($r=-0/342$)، را تایید می‌کند. میانگین سه نمونه مورد مطالعه، در این خرده مقیاسها تفاوت معنی‌داری دارند (به ترتیب $p<0/003$ ، $p<0/02$ و $p<0/001$)، که با حذف تأثیر نگرانی در تحلیل کوواریانس، این تفاوت از بین رفت. این نتایج، مؤید تأثیر نگرانی بر گرایش افراد دو گروه دارای افکار خودکشی به شیوه‌های خاص حل مسئله می‌باشد. همسو با این یافته‌ها، تالیس و همکاران (۱۹۹۱) دریافتند که افراد نگران، انتظار شواهد

1. Davey
2. Dugas
3. Lachance
4. Belzer

References

1. Wild LG, Flisher AJ, Lombard C. Suicidal ideation and attempts in adolescents: associations with depression and six domains of self-esteem. *Journal of Adolescence* 2004; 27: 611-624.
2. Liu X, Tein J. Life events, psychopathology, and suicidal behavior in Chinese adolescents. *Affective Disorders* 2005; 86: 195-203.
3. Lewinsohn PM, Rohde P, Seeley JR. Psychosocial risk factors for adolescent suicide attempts. *Consulting and clinical psychology* 1994; 62: 297-305.
4. Khazaei H, Parvezi fard A. sociological characteristics and psychological state in adolescent with suicide history. *Behbod* 1382; 3: 42-51.
5. Shaffer D, Craft L. Methods of adolescent suicide prevention. *Journal of Clinical Psychiatry* 1992; 60: 70-74.
6. Norton PJ, Temple SR, Pettit JW. Suicidal ideation and anxiety disorders: Elevated risk or artifact of comorbid depression?. *J Behavior Therapy and Experimental Psychiatry* 2008; 39: 515-25.
7. Sadock BJ, Sadock VA. *Synopsis of psychiatry: behavioral sciences, clinical psychiatry*. First ed. Tehran: Shahr ab, 1383: 184.
8. Mohamadi F. Problem solving in depressed patients and normal people. Thesis for Master clinical Psychology degree, Mashhad, Ferdowsi university, 1377: pages: 53-57.
9. Clark DM, Fairburn C, Gelder M. *The Science and practice of cognitive behaviour therapy*. First ed. Tehran: Mehr Kavian, 1386: pages: 423-424.
10. Kaviani H, Rahemi P. Problem solving in depressed patients with suicide history. *Andeshi va Raftar* 1381; 4: 25-30.
11. Groth-Marnat G. *Handbook of psychological assessment*. 4th ed. Tehran: Roshd, 1382: 225.
12. Motabi F. The schemas related with relapse in depressed patients. Thesis for PhD clinical Psychology degree, Tehran, Olom Bahzesti Tavanbakhshi, 1384. 62.
13. Fata L. Research about efficacy of three method in treat obsessive compulsive disorder: encountering, Clomipramine, and both of them. Thesis for Master clinical Psychology degree, Tehran, psychiatry Institute, 1370. 78.
14. Tyssen R, Vaglum P, Gronvold NT, Ekeberg O. Suicidal ideation among medical students and young physicians: a nationwide and prospective study of prevalence and predictors. *Affective Disorders* 2001; Pages: 64, 69-79.
15. Renberg E, Jacobsson L, Tungstrom S. 32 percent consider suicide at some point in their life (In Swedish). *Lakartidningen* 1986; 83: 2460-2462.
16. Sveriges lakarforbund,. *Lakares arbetsmiljo-en rapport fran Lakarforbundets arbetsmiljogrupp*. Physicians' working conditions-a report from the occupational health group of the Swedish Medical Association. Stockholm: Sveriges Lakar-forbund, 1988: 86.
17. Shirinzadeh Dastgiri S, Gudarzi MA, Ghanizadeh A, Naghavi SMR. Comparison of metacognitive and responsibility beliefs in patients with obsessive-compulsive disorder, generalized anxiety disorder and normal individuals. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2008; 14: 46-55.
18. Simon NM, Pollack MH, Ostacher MJ, Zalta AK, Chow CW, Fischmann D, Demopulos CM, Nierenberg A, Otto MW. Understanding the link between anxiety symptoms and suicidal ideation and behaviors in outpatients with bipolar disorder. *Journal of Affective Disorders* 2007; 97: 91-99.
19. McAuliffe C, Corcoran P, Keeley HS, Perry I J. Risk of Suicide Ideation Associated with Problem-Solving Ability and Attitudes Toward Suicidal Behavior in University Students. *Crisis Intervention and Suicide Prevention* 2003; 24: 160-167.
20. Lubell KM, Vetter JB. Suicide and youth violence prevention: The promise of an integrated approach. *Aggression and Violent Behavior* 2006; 11: 167- 175.
21. Arie M, Apter A, Orbach I, Yefetc Y, Zalzman G. Autobiographical memory, interpersonal problem solving, and suicidal behavior in adolescent inpatients. *Comprehensive Psychiatry* 2008; 49: 22-29.

22. Williams JMG, Barnhofer T, Crane C, Beck AT. Problem Solving Deteriorates Following Mood Challenge in Formerly Depressed Patients With a History of Suicidal Ideation. *Abnormal Psychology* 2005; 114: 421-431.
23. Ladouceur R, Blais F, Freeston m, Dugas M. Problem solving and problem orientation in generalized anxiety disorder. *Anxiety disorder* 1998; 12: 139-152.
24. Belzer KD, Dzurillab TJ, Maydeu-Olivaresb A. Social problem solving and trait anxiety as predictors of worry in a college student population. *Personality and Individual Differences* 2002, 33, 573-585.